

یک مدل مهندسی فرهنگی برای همه فعالان فرهنگی

شیوه استاد محمد شجاعی در مهندسی فرهنگی، برای همه فعالان فرهنگی اعم از کسانی که در یک خانواده، محله، شهر، استان، کشور و خارج از کشور، حتی غیرمسلمانان فعالیت فرهنگی می کنند، کاربرد دارد.

مدیر مسوول مؤسسه منتظران منجی که این شیوه را طی ۱۴ جلسه در یک اردوی فرهنگی مطرح کرده گفت: این بحث چنان عام، فراگیر و قدرتمند است که همه نیازهای فردی ما را در برخوردهای فرهنگی و روشهای فرهنگی و تربیتی، از تربیت فرزند تا کارهای کلان فرهنگی تأمین می کند.

مهندسی فرهنگی بیانگر یک هندسه و ساختار ریاضی خاص است که ما این هندسه را توضیح می دهیم. قطعات مختلف یک جورچین را برای شما تکمیل می کنیم تا شخص به سهولت بتواند فعالیت تربیتی یا فرهنگی خودش را در هر سطحی که دوست دارد انجام بدهد.

اهمیت فعالیت فرهنگی

رهبر انقلاب در اهمیت کار فرهنگی فرمود: حاضریم جانم را فدای کار فرهنگی کنم. «فعالیت فرهنگی» آن قدر اهمیت دارد که تا بعد از ظهور **امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)** و تا قیامت ادامه خواهد داشت.

از آنجا که انقلاب، کشور، کتاب آسمانی و جامعه ما یک جامعه فرهنگی است و «فکر و فرهنگ» که قوام شخصیت انسان و یک جامعه مبتنی بر آن است، به کار فرهنگی و فعالیت های فرهنگی که اُس و اساس زندگی یک شخص و یک جامعه است، احتیاج داریم.

حاصل هزینه ای که صرف فعالیت های فرهنگی شده، راضی کننده نیست

بعد از سالهای طولانی که از انقلابمان گذشته، هزینه های مصرف شده، بیشتر از نتیجه ای بوده که حاصل شده است. این که خود مؤسسه ما (منتظران منجی) و دوستان و همکاران مؤسسه، بعد از گذشت این همه سال، داریم اقدام به بررسی «مهندسی

فرهنگی» می‌کنیم، بیانگر عدم توازن هزینه‌ها با حاصل تلاشها می‌باشد. برای این که سالهای پس از انقلاب را طی کرده ایم و تجارب قبل از انقلاب، و تجارب تاریخی زیادی را صرف کرده ایم و در حقیقت، دوران آزمون و خطا را گذرانده ایم.

وقت و هزینه‌های کلانی در کشور صرف کارهای فرهنگی می‌شود، چه هزینه‌های دولتی، چه هزینه‌های دینی، و چه هزینه‌های مردمی؛ ولی ما آن نتیجه‌ای را که باید از فعالیت‌های فرهنگی بگیریم نمی‌گیریم.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: کار فرهنگی در کشور زیاد می‌شود، اما تأثیرگذار نیست. **چرا فعالیت‌های فرهنگی تأثیرگذار نیست؟** آن تأثیری را که ما می‌خواهیم؛ نه اینکه تأثیرگذار نباشد. آن تأثیری را که مطلوب جامعه ما است، مطلوب نظام ما، کشور ما، شایسته مردم ما است و شایسته هدف بزرگ کشور ما مسیر و رسالتی که تا ظهور **امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)** دارد، نیست. چرا اینطوری است؟ چرا این همه فعالیت می‌شود و تأثیرگذار نیست؟ نکته خیلی مهمی که باید به آن توجه کرد این است که: بعد از انقلاب، بیش از هر زمان دیگری فعالیت فرهنگی کردیم؛ بیش از هر زمان دیگری مردم دین دریافت کردند؛ عالم دیدند؛ روحانی دیدند؛ با مراجع ارتباطشان قدرتمند شده؛ با روحانیت قدرتمند شده. بیش از هر زمان دیگر مکه رفتند. هیچ وقت ما اینقدر مکه برو نداشتیم. مردم بیش از هر زمان دیگری به زیارتگاه‌ها رفتند؛ به کربلا رفتند؛ به سوریه رفتند؛ به **امام رضا (علیه السلام)** رفتند. آماری که هست، آمار خیلی بالایی است. بیش از هر زمان دیگری ما قاری تربیت کردیم.

بیش از هر زمان دیگری ما حافظ قرآن تربیت کردیم. طلبه‌هایمان خیلی زیاد شدند. فعالیت‌های فرهنگی مختلف و گسترده زیاد شده؛ تلویزیون ما انصافاً برنامه‌های فرهنگی بسیار قدرتمند عالی و فراگیری دارد. ولی چرا با وجود همه اینها، مسیری که رفتیم، نتیجه‌ای که ما گرفتیم، آن نتیجه‌ای که باید می‌گرفتیم نبوده.

یعنی اگر نگوییم نتیجه عکس گرفتیم حداقل باید بگوییم که آن نتیجه‌ای که شایسته کشور ما، نظام ما و مردم ماست، نگرفتیم. یعنی شما وقتی که به آمار ناهنجاریها مراجعه می‌کنید، می‌بینید که ما رشدی نمی‌کنیم. از نظر هنجارها کشور دارد رشد می‌کند.

مصرف مواد مخدر؛ مصرف مواد ضد افسردگی؛ اصلاً خود افسردگی. در طلاق ما الان از نظر آمار جهانی چهارم دنیا شدیم. آمار طلاق ما هر سال دارد افزایش پیدا می‌کند. اگر ما فعالیت فرهنگی و دینی مان مؤثر بود. باید این آمار کم می‌شد. بزهکاریها و مسائل دیگری که الان وجود دارد که مهمترین آنها مسئله خانواده است. شما ببینید چقدر اوضاع خانواده در کشور ما رو به خرابی گذاشته.

عوامل بیرونی ضد فرهنگی

عوامل بیرونی مثل تهاجم فرهنگی و مسائل دیگر هم باید در نظر گرفته بشود. یعنی ما ضمن اینکه داریم ارزیابی می کنیم واقعه فرهنگی کشور خودمان را؛ نباید انکار بکنیم که ما با تهاجم فرهنگی مواجه هستیم. به تعبیر مقام معظم رهبری «با یک تهاجم؛ بلکه شبیخون؛ بلکه یک ناتوی فرهنگی و یک جنگ نرم که دشمن اعلامش کرده؛ (مواجه هستیم)؛ یعنی اگر اعلام نکرده بود، باز هم ما می پذیرفتیم و انکار نمی کردیم که این جنگ هست. ولی آنها اعلام کردند که ما این جنگ را علیه جمهوری اسلامی داریم.»

هزاران بار اعلام کردند؛ صدها مرکز فرهنگی، بنیاد فرهنگی تأسیس کردند با بودجه های میلیاردی؛ و قصدشان نابود کردن فرهنگ این کشور است؛ قصدشان نابود کردن مردم این کشور است؛ و همانطور که خودشان اعلام کردند، باید ریشه مردم ایران را خشکاند. یکی از اظهار نظرهاست. باید خانواده را در جمهوری اسلامی نابود کرد؛ باید با فرهنگ سکس و میکی موس، کشور ایران را از بین برد؛ اینها اظهار نظرهایی است که آنها گفتند، من دارم برای شما می گویم؛ چیزی از خودم نیست؛ و خیلی چیزهای دیگر؛ خیلی بایدها هست؛ یعنی اگر ما بخواهیم این دوره را فقط راجع به طرح هایی که آنها گفتند بگوییم باز وقت کم می آوریم.

یعنی ما با یک دشمنی روبرو هستیم که از بیرون به ما از طریق های مختلف دارد حمله می کند.

تفاوت جنگ امروز با دوران دفاع مقدس

امروز، ما یک کشور جنگ زده هستیم و جنگمان از جنگ دوران هشت سال دفاع مقدس، بسیار خونین تر و شدیدتر است. چون در دوران دفاع مقدس، کشته های جنگ و مجروحان شان اولیاء خدا بودند و به بهشت می رفتند. اما در این جنگ کسانی که تحت تأثیر قرار می گیرند، به بهشت نمی روند؛ کسانی که در این جنگ تحت تأثیر و اصابت گلوله های زهرآگین فرهنگی دشمن قرار می گیرند، اینها از خدا دور می شوند؛ از سعادت سلامت، شادی و آرامش، چه در دنیا و چه در آخرت، دور می شوند؛ و دشمن تا خود خانه های ما و حتی در درون خود ما که نشستیم کار فرهنگی می خواهیم بکنیم نفوذ دارد.

بعداً توضیح می‌دهم در فعالیت فرهنگی مان، یکی از کسانی که باید خیلی حواسمان باشد که از بین نرود خود ما هستیم. در درجه اول در طرحی که ان شاء الله ملاحظه خواهید کرد، این را نشان خواهیم داد.

مواردی از آسیب‌شناسی فرهنگی که رهبر معظم انقلاب در مشهد برشمردند

اگر سبک زندگی که عامل اصلی بروز ناهنجاری‌ها است را اصلاح نکنیم، هر چه بیشتر پیشرفت کنیم، مشکلات روحی و جسمی ما بیشتر خواهد شد.

ناهنجاری‌های فرهنگی موجود، در حدیست که رهبر یک نظام، در سخنرانی عمومی که همه مردم کشور و دنیا می‌شنوند، بعد از سی و چند سال، حداقل ۲۰ ناهنجاری را که در حال رشد در کشور است، بیان می‌کنند.

ایشان در سفرشان به خراسان شمالی گفتند موارد مذکور، باید بررسی شود که چرا بعد از این همه سال، ما این آسیب‌ها را در کشورمان داریم؟ برخی از آنها مثل مسئله طلاق بود؛ روابط دختر و پسر بود؛ روابط نامشروع بود؛ مسئله رشوه بود.

ایشان مسئله را بردند روی سبک زندگی که دقیق هم هست. واقعاً سبک زندگی یعنی همان مهندسی زندگی؛ سبک زندگی به گونه‌ای است که ما ضمن این که داریم کار فرهنگی می‌کنیم؛ این کار دینی ما؛ این کار مذهبی و فرهنگی ما نمی‌تواند جلوی آن ناهنجاریها و مشکلاتی را که مردم دچارش هستند بگیرد؛ نمی‌تواند آمار طلاق‌هایمان را پایین بیاورد؛ نمی‌تواند آمار فسادمان را پایین بیاورد؛ نمی‌تواند آمار بیماری‌های روحی روانی و بیماری‌های جسمی را پایین بیاورد. کار فرهنگی به مسائل جسمی هم خیلی مربوط است. نمی‌تواند آمار سرطان ما را کم بکند؛ این درحالی است که دارد این همه فعالیت فرهنگی هم صورت می‌گیرد.

پس یک جای کار دارد می‌لنگد. یعنی یک مشکلی ما در ساختار سبک زندگی، در ساختار فعالیت‌های فرهنگی مان داریم که این مسئله باعث می‌شود شما هر چه هم هزینه بکنید، نتیجه لازم را نگیرید.

بعداً توضیح خواهیم داد که اگر با این فرمولی که ما توضیح می‌دهیم جلو نرویم؛ اگر اصولی را که می‌گوییم، در فعالیت فرهنگی در نظر گرفته نشود؛ شما هر چقدر فعالیت فرهنگی، و هر چقدر فعالیت اقتصادی موفق و پیشرفت در کشور داشته باشید، نتیجه

برعکس شده و ما آسیب هایمان در جهت روحی روانی بیشتر، و ناهنجاری هایمان بیشتر می شود.

تا وقتی که مهندسی فرهنگی اجرا نشود، هر چقدر کار فرهنگی کنیم، بیشتر ضرر می کنیم

تا وقتی که مهندسی فرهنگی کشور را درست نکنیم، هرچه پیشرفت های اقتصادی و فعالیت های فرهنگی، بیشتر شود و بیشتر هزینه کنیم، بیشتر ضرر می کنیم و ناهنجاری ها و آسیب هایمان بیشتر خواهد شد. این نکته خیلی مهم است و من به ضرس قاطع روی آن ایستاده ام.

نیروهای فکری و فرهنگی ما سر درگم هستند

اکنون ما با یک سردرگمی در نیروهای دلسوز فرهنگی و مراکز فرهنگی روبرو هستیم. اینها کسانی هستند که دور هم جمع می شوند و دلشان می خواهد یک کار فرهنگی بکنند، اما سردرگمند. حالا این مجموعه کار فرهنگی می تواند بسیج باشد؛ می تواند بسیج دانشجویی باشد؛ انجمن های اسلامی باشد؛ پایگاه های مساجد باشد؛ ان.جی.او(NGO)های فرهنگی باشد؛ یا خود دولت باشد.

فعالیت های فرهنگی مراکز فرهنگی دولتی روبنایی بوده و «اطلاعات» تبدیل به «دارایی» نمی شود

روبنایی بودن فعالیت مراکز فرهنگی به نداشتن اولویتها برای نحوه هزینه کردن بودجه ها و «عدم تبدیل اطلاعات به دارایی» است.

یک دلیل سردرگمی مراکز فرهنگی دولتی، روبنایی بودن فعالیت هایشان است. این مراکز وقتی می خواهند بودجه های فرهنگی را هزینه کنند، نمی دانند چگونه باید عمل کنند؛ یعنی نمی دانند چه چیزهایی اولویت دارد. بیشتر به ظاهر مسائل فرهنگی می پردازند. کارها آب و رنگ فرهنگی و مذهبی دارد؛ اما چیزی به اسم «دارایی» به افراد اضافه نمی شود. نهایت چیزی که ممکن است اضافه بشود، «دانایی» است و سطح اطلاعاتی که بالا برده می شود. اما باید بدانیم که در فعالیت های فرهنگی، «بالا رفتن سطح اطلاعات» حل کننده مشکل نیست.

تا وقتی که اطلاعات، تبدیل به دارایی نشود و منجر به قدرت نشود؛ تولید شادی، آرامش و نورانیت نمی کند و آمار ناهنجاری هایمان پایین نمی آید. این نکته خیلی

مهم است. لذا بیشترین ناهنجاری هایمان در تحصیل کرده ها و دانایی هایمان است. چه دانایی هایی که داناهاى دانشگاهى هستند، و چه داناهاى كه داناهاى حوزوى هستند، و چه داناهاى كه داناهاى رشته هاى دیگر هستند. حتى داناهاى فرهنگى.

همه باید برای ایجاد تمدن اسلامی نوین، احساس مسئولیت کنند

رهبر معظم انقلاب در جمله ای فوق العاده مهم فرمودند: «باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست».

سلسله مراحل تمدن اسلامی چنین است: ما ابتدا یک نظام اسلامی تشکیل دادیم؛ بعد حکومت و دولت اسلامی و بعد باید برویم به سمت تمدن نوین اسلامی. ایشان می فرماید: «باید». وقتی ولی امر می گوید «باید»؛ خیلی دقت کنیم که این «باید»، از کجا ناشی می شود. دو کلمه «باید» و «همه» مهم بوده و تامل نیاز دارد.

یعنی ما تا نتوانیم این مسئله را همگانی بشکنیم موفق نیستیم. باید مسئله همگانی بشود؛ دردمندی و دغدغه های فرهنگی، باید همگانی بشود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی یک مسئولیت الهی است؛ مسئولیتی است از ناحیه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر دوش ما. اگر کسی خیانت بکند و کوتاهی بکند، مشککش هیچ وقت حل نخواهد شد. یک مسئولیت است؛ یک رسالت است به گردن همه ما.

اینطور نیست که یک کسی بگوید حالا به من چه. پیامبر فرمود: **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ** [ارشاد القلوب، جلد 1، صفحه 184] یعنی همه شما مانند چوپان هستید و همه شما مسئول زبردستان باشید. [یک رسالت همگانی است. اگر یک کسی خودش را از زیر این بار کنار کشید، آن موقع است که وزر و وبال گناه را به خودش و همه کسانی که اطرافیانش هستند وارد می کند.

مواجهه با فرهنگ غرب، یکی از ابعاد نیل به تمدن اسلامی است

رهبر معظم انقلاب یکی از ابعاد «مسئولیت دستیابی به تمدن اسلامی» را در «مواجهه با فرهنگ و تمدن منحط غرب» دانسته و با بیان آن، یکی از ابعاد و حدود و ثغور این کار را مشخص کردند.

پس ما در مهندسی فرهنگی مان در تربیتی که می خواهیم نسبت به خود، فرزند، خانواده و جامعه مان داشته باشیم، یکی از عناصر اصلی که در محتوای فرهنگی لحاظ می کنیم، باید این باشد که توانایی مقابله با فرهنگ مبتذل و کفرآمیز غرب را داشته باشد.

مصادیق «سطحی گری و تحجر» در مسیر تمدن نوین اسلامی

رهبر معظم انقلاب تاکید دارند که در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی نباید دچار «سطحی گری و ظاهرگرایی» و «تحجر» شویم. برخی مصادیق های اینها شامل این موارد است: اسلامی بودن رونها و ظواهر و غیر اسلامی بودن باطن، ادعای پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام و پذیرفتن الگوهای غربی در سبک زندگی، قمه زنی، بحث شیعه و سنی، سکولاریسم پنهان و جدایی دین از سیاست، فعالیت های فرهنگی غفلت زا.

سطحی گری و ظاهر گرایی

فرزندان از یک طرف می آید سینه زنی می کند و از طرف دیگر، می رود وارد اینترنت می شود و از آن استفاده نا به جا می کند. (البته اصل استفاده از اینترنت چیز بدی نیست.) برخی افراد، هم برای [امام حسین علیه السلام](#) گریه می کنند، و هم ماهواره نگاه می کنند و آن خوراک های مسمومی که دشمن با طراحی آماده کرده را به طور کامل جذب می کنند و منافاتی هم بین این دو عمل نمی بینند.

عمق فاجعه اینجاست که با سبک زندگی مذکور، یک شخص دیندار و یک شخص بی دین را دارد با هم جمع می کند. جمع دینداری و بی دینی. از یک طرف ابراز ایمان و اعتقاد به خدا و اهل بیت علیهم السلام و ابراز علاقه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کنند و از طرف دیگر، عبادت دشمن را می کنند. این به آن معنی است که این سنگر ما را دشمن فتح کرده است. همین آدمی که قرآن هم می خواند و می گوید: «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» [آیه ۲ سوره کافرون] در عمل می گوید «اعبد ما تعبدون».

یعنی ما از این سوره جدا شدیم که می فرماید: ما آنچه که شما می پرستید نمی پرستیم. از این طرف داریم می گوئیم الله را می پرستیم (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) از طرفی هم به کفار می گوئیم آقا آن را هم که شما می گوئید، می پرستیم و قبول داریم. این یعنی بت های زیادی دارد خلق می شود در این کشور و در نهاد مردم و در جنبه های فردی و اجتماعی زندگی مردم.

تاجر چیست؟

رهبر معظم انقلاب می فرماید دچار «تاجر» نشویم. اما در حالی که باید مردم مان را به روز تربیت کنیم تا از قافله پیشرفت زمان عقب نمانند، یک عده دارند مردم ما را دچار تاجر می کنند.

از آن طرف ما آن آسیبهای خارجی را داریم و از این طرف هم آسیب های خودیها را داریم. در این اوضاع، سرباز و سردار جنگ نرم و ناتوی فرهنگی ما، از یک طرف باید به قول رهبر معظم انقلاب با فرهنگ غرب مبارزه کند و بتواند در مقابل تهاجم غربیها مقاومت کند و از طرف دیگر باید با خودی های متاجر و خودی های سکولار مقابله کند.

یعنی ما این حد فاصل از جنگ را داریم. یک جنگ داخلی و یک جنگ خارجی را داریم. حالا برای این باید چه فکری بکنیم؟ پس ما در جنگ فرهنگی مان این مسئولیت دوگانه را داریم.

روبنایی بودن تلاشهای فرهنگی

فعالیت های فرهنگی که دارد انجام می شود می تواند فقط ظاهری باشد. یعنی شما خیلی جاها می گوئید فعالیت فرهنگی انجام شده، این هم بودجه مان، این هم گزارش کارمان. ولی وقتی نگاه می کنیم می بینیم که اینها فقط سطحی گری و سطحی نگری بوده.

میلیاردها تومان؛ نه اشتباه کردم، در یک فقره فعالیت، من بالای صد میلیارد تومان خبر دارم؛ دهها میلیارد تومان در یک پروژه فرهنگی هزینه می شود و فقط سطحی نگری است؛ فقط روبناست؛ فقط رنگ مذهبی زدن است و محتوایی منتقل نمی شود به جایی؛ روحی ساخته نمی شود؛ ولی فضایش هم فضای مذهبی است؛ حرفها حرفهای مذهبی است.

به قول آقا تبلیغات تبلیغات مذهبی است؛ اما کاملاً با فرهنگ دشمن هماهنگی دارد. این چیزی است که در کشور ما زیاد دارد اتفاق می افتد.

برخی فکر می کنند، اگر جوانان را مثلاً به اردوی مشهد ببرند و هزینه های زیادی بکنند که مثلاً سر و شکل و ظاهر آنان را عوض کنند، یا حال معنوی موقتی به آنها بدهند که یک گوشه بنشینند و گریه کنند، کار فرهنگی بزرگی کرده اند.

من در این اردوهای دانشجویی چند بار دیده ام که مثلاً در حج عمره دانشجویان را می آورند و آنها در مکه و مدینه هم آرایش می کردند و حتی حجاب اسلامی را هم رعایت نمی کردند. بعد از این که اعمال هم تمام شد، از احرام خارج شدند و آمدند در هتل و با همان لباسها و همان بزرگ و آرایش و خرید و چیزهای دیگر. بعد هم که سوار هواپیما شدیم و آمدیم تهران، انگار هیچ اتفاقی نیفتاده بود. یک حال معنوی موقت بود و یک اشکی و گریه ای و بعد تمام شد. باز همان آش و همان کاسه. سبک زندگی همان سبک زندگی قبل از حج بود.

اینکه مقام معظم رهبری دست گذاشته روی سبک زندگی، یعنی این باید عوض بشود. شخص حج و کربلا و سوریه می رود و می آید. روزه می گیرد و ماه مبارک را می گذراند. این رحم زمانی قدرتمند **ماه رمضان** رد می شود، **عرفه** رد می شود، اما هیچ تغییری در سبک زندگی اتفاق نمی افتد.

همان آدم با همان سبک زندگی و با همان ناراحتیها، غصه ها، دغدغه ها افسردگیها، ذلیل و خوار بودنها سر جای خودش هست. بیشتر بودجه های فرهنگی مان صرف مسائل ظاهری می شود. هیچ وقت به عمق و باطن افراد نمی ریزد؛ هیچ وقت تولید دارایی نمی کند و قدرتش کم است.

قمه زنی از مصادیق تحجر و سطحی گرایی است

قمه زنی با آن وضعیت که آن همه افتضاح و آبرو ریزی فرهنگی برای نظام و کشور ما دارد، یکی از مصادیق های تحجر است.

این مصداق تحجر یکی از صورت هایی از مذهب است که گاه آن را محکم نگه می داریم و بر آن تأکید می کنیم. در حالی که نیازی نیست اصلاً روی آن تأکید کنیم و لازم نیست حتی آنرا نگه داریم؛ چون متحجرانه است و مربوط به زمان های گذشته است و با فقه نوین و جدیدی که **امام (سلام الله علیه)** و مقام معظم رهبری و بسیاری از مراجع عظام مطرح می کنند سازگاری ندارد.

بحث اختلاف شیعه و سنی از مصادیق تحجر است

مصادیق دیگر تحجر بحث «اختلاف شیعه و سنی» است که الان یک حرام محض است. امام فرمود امروز بر سر ولایت حضرت امیر هم نباید دعوا کرد. جنگ شیعه و سنی جنگ بسیار خطرناکی است. اما یک عده متحجر وظیفه خودشان می دانند که از دین فقط همینها را احیا کنند و بر آن تأکید کنند.

سکولاریسم پنهان و جدایی دین از سیاست از مصادیق تحجر است

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: دچار سکولاریسم پنهان نشویم.

سکولاریسم یعنی چی؟ یعنی جدایی دین از دنیا، جدایی دین از زندگی. یکی از شاخه های سکولاریسم، جدایی دین از سیاست است. رهبر معظم می فرماید: گاهی اوقات در ظاهر تبلیغات ما تبلیغات دینی است. یعنی همه دارند اسم خدا و پیغمبر را می آورند.

در تلویزیون خودمان بعضی وقتها برنامه ها، برنامه هایی که مراکز فرهنگی غیر متخصص ارائه می کنند و در سطح شهر ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت را جمع می کنند به اسم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شعبان و فسق و فجور و گناه می کنند، به اسم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف). حرف حرف دینی است ظاهرش ظاهر دینی است. اما در باطن سکولاریسم است.

مقام معظم رهبری می فرماید در ظاهر تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن سکولاریسم است. جدایی دین از زندگی است. ایشان یک گام بالاتر رفت و فرمود: این سکولاریسم حتی در روحانیت ما هم دارد نفوذ می کند. یعنی طبقه ای از طلبه ها دارند تربیت می شوند در حوزه های علمیه که افکارشان افکار سکولاریستی است و سکولار فکر می کنند. اساساً خیلی عجیب است یک کسی که نان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می خورد و مسئول بهداشت روانی جامعه است؛ مسئول توسعه تفکر دینی در جامعه است؛ اگر دینی را توصیه می کند و تبلیغ می کند این با اندیشه سکولاریسم همراه باشد. آخوندها طلبه ها و روحانیونی که بلندگو و تریبون و منبر پیدا می کنند؛ اما به مردم بی دینی یاد می دهند.

فعالیت های فرهنگی غفلت زا کدام است؟

ما تعداد زیادی فعالیت فرهنگی غفلت زا داریم. یعنی فعالیت فرهنگی دارد انجام می شود. اما به جای این که توجه را بیشتر بکند، غفلت را بیشتر می کند. یعنی شخص را از هدفش دورتر می کند. یعنی ما الان که داریم در مؤسسه خودمان سالی تقریباً سه چهار هزار برنامه می نویسیم، خیلی وقتها طلبه ها، روحانیون و دانشجویان عزیز و معلمان، افراد نخبه، افراد متدین، برنامه را برای من می نویسند. من می بینم که این نوشته که من این همه ساعت های فرهنگی و مذهبی دارم، عبادت دارم.

بعد در سؤال شماره شش که نوشتیم مهمترین سؤالات یا مشکلات خودتان را بیان بکنید، می بینم که یک ردیف از انواع گرفتاری های روحی و روانی نوشته است. من برای این که بتوانم این را درمانش بکنم و یک برنامه بنویسم که این درمان بشود، مجبورم حجم زیادی از برنامه های مذهبی و فرهنگی او را حذف کنم.

یعنی این سفت چسبیده الان به انجام یک سلسله فعالیت های فرهنگی و مذهبی و عبادات و اذکار که تمام اینها برای او غفلت می آورد. این در فرد، در جامعه هم همین طور است.

برنامه های فرهنگی غفلت زا را باید تعطیل کنیم

ما خیلی وقتها برای درمان افراد، مراکز اجتماعات و جوامع، باید دین را تعدیل کنیم. باید بگوییم یک سلسله از فقرات دینی را خواهشاً انجام ندهید. چرا؟ چون سر شما را گرم کرده و اصلاً به خودتان توجه نمی کنید. یک اصطلاحی بزرگان در عرفان دارند که می گویند «مواظب باشید موقع ذکر گفتن؛ ذکر، شما را از مذکور غافل نکند.» وقتی داری ذکر می گویی از الله غافل نشوی. گاهی آدم مشغول خود ذکر می شود. خیلی وقتها در فعالیت های فرهنگی، شخص فکر می کند آدم متدینی است و بچه های مذهبی تربیت کرده و دارد کار فرهنگی و مذهبی انجام می دهد. اما با این کار مردم را دور می کند و غافل می کند. یعنی شخص را از توجه به خودش و وظیفه خودش دور می کند.

عرض کردم نمونه کلیش این است که ما بیشتر از هر زمان دیگری در کشورمان داریم دین دریافت می کنیم. مردم ما دارند دین دریافت می کنند. از کتابهای درسی و دانشگاهی بگیرد تا تلویزیون و مراسم مختلف، زمان های مختلف، مکان های مختلف، دارند دین دریافت می کنند. اما ناهنجاری های ما روبه افزایش است.

ما یک جاهایی باید جلوی فعالیت های غفلت زا را بگیریم. حتی در درمان فردی و خودمان. خیلی وقتها می بینم افراد نوشته اند من دارم حفظ قرآن می کنم، حفظ نهج البلاغه می کنم. دارم کلاس طب اسلامی می روم. باید به او گفت: همه را کنار بگذار.

الان نه وقت حفظ قرآن است؛ نه حفظ نهج البلاغه؛ نه طب اسلامی. همه را باید حذف بکنی. الان فقط باید خودت را پیدا کنی. ظاهر این فعالیتها این است که این افراد دارند کار خوبی می کنند. اما در حقیقت کار خطرناکی می کنند.

از یک طرف شیطان می گوید بارک الله تو داری کار مذهبی می کنی. پس تو وظیفه دیگری نداری. داری روزی دو ساعت حفظ قرآن می کنی. داری حفظ نهج البلاغه می کنی. خیلی خوب است. من حتی الان با این که سی سال است در حوزه هستم، به طلبه های عزیز یک موقع برنامه می دهم می گویند ما طلبه ایم برنامه فرهنگی و مذهبی داریم. می گویم نه اینها برنامه فرهنگی و مذهبی نیست.

صرف و نحو خواندن، اصول و فقه خواندن، معانی بیان خواندن، منطق و فلسفه خواندن، غیر از حرکت به سمت شادی و آرامش است؛ غیر از حرکت به سمت نورانیت است؛ غیر از سمت و سوی دارا شدن است؛ غیر از سمت خداست. آدم ممکن است این مسیر را طی کند، اما حرکتش به سمت خدا نباشد.

ممکن است روز به روز که «داناتر» می شود، دورتر هم بشود. این یک مشکل است در مورد مخاطبین ما که به عنوان دست اندرکاران فعالیت فرهنگی با آن روبه رو هستیم.

دشمن در حال دین سازی است

دشمن در حال دین سازی برای ما است. فعالیت های فرهنگی، مثل قارچ در حال زیاد شدن است و مردم مشغول آنها می شوند. اما اکثر این فعالیتهای مذهبی واقعاً با روح مذهب سازگاری ندارد. با آن نقشه ای که ما می خواهیم به سمت ظهور برویم سازگاری ندارد. دائماً دارند برای ما تولید برنامه های جدید فرهنگی می کنند. مناسب است ایجاد می کنند. حتی مناسب است برای ما تولید برنامه های جدید فرهنگی می کنند. در طول سال وقت و نیروی خیلی از بچه ها و جوانها گرفته می شود و بودجه های عظیم دولتی صرف آنها می شود.

این برنامه های به ظاهر اسلامی برای این است که افراد به سمت آن چیزی که باید کشیده بشوند (تمدن نوین اسلامی) کشیده نشوند. **یک نوع سرگرمی مذهبی است.**

یک موقع پرفسور مولانا به من گفت که ما در آمریکا هر روز یک دین جدید داریم و مردم دین را می روند می خردند اینقدر تولید معنویت تولید عرفان.

جالب اینجاست که دشمن عرفان هایش را به کشور ما صادر می کند. الان عرفان های مختلفی که هست، مثل عرفان سرخ پوستی، عرفان اوشو کریشنامورتی پائولو کوئیلو و انواع و اقسام آن که حالا بحثش اصلاً بحث جدایی است دارد وارد کشور می شود. می گویند جوانها که عرفان می خواهند، چرا سمت تشیع بروند؟ چرا سمت اسلام ناب بروند؟

مگر این جوان عرفان نمی خواهد؟ نیاز به عرفان ندارد؟ این را ما خودمان به او می دهیم. این طوری جوان کاملاً ارضا می شود. همانطور که مردم خودشان را از این که توجه به اسلام ناب در ایران بکنند با این عرفانها فعلاً با این مخدرها در واقع سرپا نگه داشته اند. اینها می گویند: آقا برای چی شما می خواهید به آن سمت بروید؟ مگر شما خدا نمی خواهید؟ مگر معنویت نمی خواهید؟ مگر خلسه و ذکر نمی خواهید؟ مگر خلوت نمی خواهید؟ خودمان به شما می دهیم.

الان دارند این کار را می کنند. ضمن این که خودمان هم داریم در کشور از این چیزها تولید می کنیم. یعنی ظاهرنگری ها و سطحی نگری ها، یکی از جنگ هایی که الآن داریم، جنگ با عرفان های کاذب، دین های کاذب و معنویت های کاذب است.

پس ما فعالیت های فرهنگی غفلت زا داریم فعالیت های فرهنگی دینی ضد دینی داریم که واقعاً اسمش دینی است؛ اما ضد دین است.

کار فرهنگی مطلوب دشمن، به معنی تهاجم راست شیطان است

شیطان از چهار جهت به انسان حمله می کند: جلو، عقب، راست و چپ. حمله سمت چپ گناه است. حمله سمت راست شیطان وقتی دسترسی ندارد به شخص می بیند که شخص قویتر از آن است که بتواند او را به بی عفتی، به گناه و فحشا بکشاند؛ او را با دین مشغول می کند. با صورت های مقدس مشغولش می کند. اما شخص نمی فهمد که شیطان زده شده است.

یعنی ظاهر، ظاهر دینی است. همان است که رهبر انقلاب می فرماید تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف حرف دینی است؛ اما باطنش بی دینی است. شیطان خیلی وقتها

جلسه اول - مهندسی فرهنگی
 استاد محمد شجاعی
 افراد را به عبادت و فعالیت‌های مذهبی، به عرفان، به قرآن، به تفسیر، به طلبگی، به فقه و اصول و فلسفه مشغول می‌کند. حتی به فعالیت‌های فرهنگی مشغول می‌کند.

می‌گوید بابا تو حیفی! برو یک سری فعالیت‌های فرهنگی انجام بده. مشغولش می‌کند به یک سلسله فعالیت‌ها و شخص از خودش غافل می‌شود. محتوایی هم که تولید می‌کند، محتوای غفلت‌انگیز است. پس باید دقت کنیم که آیا فعالیتی که می‌کنیم، دقیقاً به اذن الله دارد انجام می‌شود؟ مربی بالای سرم بوده؟ برایم تجویز شده؟ این را یا خودم یک دفعه گفتم که خوب است من یک همچین کاری را بکنم خوب است مثلاً من بروم مداح بشوم، قاری قرآن بشوم، خوب من بروم طلبه بشوم اما این از کجا اجازه گرفتی؟ تجویز شدی؟ یعنی دقیقاً این با سلامتی نشاط، شادی، آرامش و قدرت تو سازگاری دارد یا ندارد؟

آمریکا برای از بین بردن فرهنگ عاشورا، دنبال مداحان منحرف است

الان در سازمان سیا می‌گویند: ما باید فرهنگ عاشورایی را با استفاده از مداحان سودجو و شهرت طلب از بین ببریم. یعنی عده‌ای از مداحان الان مشغول کار هستند. شخصیتی بعد از روحانیت، به تقدس مداحان نداریم. واقعاً هم مؤثر هستند و مبارک هم هستند.

ولی در حالی که در روحانیت سکولار داشته باشیم، در مداحان هم می‌توانیم داشته باشیم. ما مداحانی داریم که با مداحی هایشان مردم را از فرهنگ حسینی دور می‌کنند. مردم را از فلسفه جهاد، از مهدویت و از رفتن به چادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باز می‌دارند. انسان در هر قالبی، حتی قالبهای قرآنی و مداحی می‌تواند مورد حمله سمت راست شیطان باشد.

مبلغان فرهنگی ناشی مورد حمله سمت راست شیطان قرار می‌گیرند

یک استاد ناشی یک دفعه مثلاً یک برنامه فرهنگی یا مذهبی یا ذکری یا عبادی یا جلسه‌ای تدارک می‌بیند. عده زیادی با وقت زیاد، گرفتار همین‌ها می‌شوند. بعد هم دلخوش هستند که دارند فعالیت فرهنگی انجام می‌دهند. ولی همه آسیب می‌بینند. یعنی اینها در واقع سنگرهای فتح شده دشمن می‌شوند.

این حمله سمت راست را اصلاً دست کم نگیرید. ما در مفاتیح بعد از دعای عالیۀ المضامین می‌گوییم «خدایا! به من قلب پاک بده. اما نه قلب پاکی که علیه من بشود. خدایا! تقوا بده، عقل بده، امانه این که علیه من تمام بشود».

چقدر آدمها با گناه نکردن به جهنم می‌روند و چقدر آدمها با عبادت به جهنم می‌روند. فرمول را نگاه کنید. معجزه کلام **امیر المؤمنین (علیه السلام)** را ببینید: «**رُبَّ مَتَنَسِكٍ وَ لَا دینَ لَهُ**» [غرر الحکم و درر الکلم، جلد 1، صفحه = 383] چه بسیار عبادت کننده ای که دین ندارد. در فعالیت‌های فرهنگی خیلی‌ها خوشحال می‌شوند اگر یک نفر را نماز خوان بکنند، یا با جاباش بکنند.

اما بی‌موقع نماز خوان کردن و بی‌موقع باحجاب کردن باعث می‌شود که این در آینده بی‌حجاب و بی‌نماز بشود. وگرنه خیلی از مراکز دوست دارند که اینها را انجام بدهند و رنگهای مذهبی بدهند و بگویند نگاه کن چقدر جوان خوبی تربیت کردیم. بین این چقدر ظاهرش خوب است. ولی ته قضیه خطرناک می‌شود. زیرا در آخر کار می‌بینیم می‌تواند اینطور چیزها علیه انسان تمام بشود. باید دقت کنیم که ما چه موقع به کسی چه چیزی بدهیم. الان برای متدین کردن یک نفر باید به او چه چیزی بدهیم. باید به او بگوییم نماز بخوان یا نماز نخوان. الان باید با حجابش کار داشته باشیم؟

بی‌موقع وقتی حرف می‌زنی راجع به حجاب؛ وقتی با یک نفر برخورد می‌کنی که بی‌حجاب یا بدحجاب است؛ بی‌نماز است و تو توجه نداری و بی‌موقع می‌روی صرف اینکه این را رنگ بزنی و حجاب دارش بکنی؛ بی‌موقع می‌روی سراغش که نمازخوانش بکنی و ظاهرش را اسلامی بکنی؛ بی‌موقع به مسجد دعوتش می‌کنی این زمینه را فراهم می‌کند که بعداً خطرناک بشود.

خطرناکترین آدمها در طول تاریخ اسلام کسانی بودند که به پیغمبر بیشتر نزدیکی داشتند؛ به مراکز مذهبی بیشتر نزدیکی داشتند؛ خواص همیشه بیشترین ضربه را زدند. فعالان فرهنگی ناشی مورد حمله راست شیطان قرار می‌گیرند. یعنی خواص در دل فعالیت‌های فرهنگی به انحراف کشیده می‌شوند. در اوج مقدس‌ترین کارها خواص به انحراف کشیده می‌شوند. پس مهندسی فرهنگی ما باید چه ساختاری داشته باشد که این آسیبها را نداشته باشد.

این ضرورت مهندسی فرهنگی است. بافت فرهنگی، چینش فرهنگی باید چطوری انجام بشود که از افراط و تفریط فاصله بگیریم و حد تعادل را رعایت کنیم. یعنی نه دچار تحجر شویم؛ و نه سکولاریسم.

استاد محمد شجاعی

جلسه اول - مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی را چطوری طراحی بکنیم که بودجه ها هدر نرود. نیروها هدر نروند. واقعاً نیروی فرهنگی کم داریم. کار فرهنگی زیاد می کنیم؛ اما نیروی فرهنگی خبره بدر بخور مؤثر کم داریم.

حالا شما نگاه بکنید در دل این همه نیرویی که الان دارند واقعاً با اخلاص هم دارند کار می کنند؛ تعمدی هم نیست برای انحرافها. اما مشکل ما مشکل بی تخصصی نیروهای فرهنگی مان است. مشکل ما این است که در کشور ما مسائل فرهنگی تابع مسائل سیاسی شده و خودش حرف اول را نمی زند.

مشکل ما این است که فعالیتهای فرهنگی در کشور ما نوعاً به دست افراد غیر متخصص دارد انجام می شود. کارشناس نیستند؛ آدم های ضعیفی هستند؛ طرح های فرهنگی ما طرح های ضعیفی است؛ طرح های بیشتر روبرنایی یا متحجرانه و یا سکولار است.

پس ما نیاز داریم به یک مهندسی فرهنگی به یک ساختار فرهنگی به یک سبک فرهنگی و یک الگویی که بتوانیم از این مسئله فاصله بگیریم و برویم إن شاء الله به سمتی که تأثیرپذیری بیشتر باشد.



بنیاد فرهنگی تربیتی ضیاء الصالحین

www.Ziaossalehin.ir